

نگاه اول: ادب و آداب حضور پیامبر اعظم (ص)

- (۱) هماهنگی و اذن ورود بر پیامبر (ص)
- (۲) رعایت ادب در سخن گفتن با پیامبر (ص)
- (۳) رعایت کمیت و بلندی صدا
- (۴) رعایت اوقات پیامبر (ص) در مقدار ملاقات

۱) هماهنگی و اذن ورود بر پیامبر (ص)

«یا ایها الذین امنوا لاتدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم الی طعام غیر ناظرین انا و لکن اذا دعیتم فادخلوا فاذا طعتم فانتشروا و لا مستئنین لحدیث ذلکم کان یؤذی النبی فیستحی منکم و الله لا یتحی من الحق و اذا سألتموهن متاعاً فسئلوهن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن و ما کان لکم ان تؤذوا رسول الله و لا ان تنکحوا ازواجه من بعده ابدأ ان ذلکم کان عند الله عظیماً».

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه پیامبر وارد نشوید مگر آن که به شما اجازه داده شود، برای خوردن غذا (به شرط آن که قبل از موعد نیایید) و در انتظار وقت غذا نباشید ولی هر گاه دعوت شدید پس داخل شوید. و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از خوردن غذا) به گفتگو نپردازید. همانا این (عمل) پیامبر را آزار می‌دهد. اما او از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید) ولی خداوند از (گفتن) حق شرم ندارد و هر گاه از همسران پیامبر از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) خواستید از پشت پرده بخواهید، این رفتار برای دل‌های شما و دل‌های آنان به پاکی و پاکدامنی است و شما حق ندارید که رسول خدا را آزار دهید و با همسران او پس از رحلتش ازدواج کنید که این کار نزد خداوند (گناهی) بزرگ است.

تدبر و تفکر [آداب معاشرت با پیامبر (ص)]

آیه شریفه بطور کلی سه موضوع را مطرح کرده است: ۱) چگونگی ورود، توقف و خروج از خانه پیامبر (ص). ۲) چگونگی تعامل و گفتگو با همسران پیامبر (ص). ۳) منع ازدواج با همسران پیامبر (ص)، پس از پیامبر (ص).

برخی از مفسرین شش حکم از آیه شریفه بدین شرح استخراج و بیان نموده‌اند:

الف) بدون دعوت و اجازه وارد خانه پیامبر (ص) نشوید، مگر اینکه برای صرف طعام شما را دعوت کرد و اجازه ورود داده باشد، در چنین حالتی نیز به موقع وارد شوید، نه مدتی قبل از طعام بیاید و به انتظار بنشینید.

ب) پس از صرف طعام، پراکنده شوید. (فاذا طعمتم فانتشروا) این حکم در حقیقت تکمیل حکم اول است. نه بی موقع به خانه‌ای که دعوت شده‌اید وارد شوید و نه اجابت دعوت را نادیده بگیرید و نه پس از صرف غذا، برای مدتی طولانی درنگ کنید.

ج) پس از صرف طعام مجلس انس و گفتگو در خانه پیامبر تشکیل ندهید.

د) مستانسنین لحدیث) مگر اینکه میزبان خودش بخواهد. سپس به علت این حکم اشاره می‌فرماید (ان ذلکم کان یؤذی النبی) این توقف موجب اذیت پیامبر می‌شود، و آن حضرت شرم دارد که به شما تذکر دهد ولی این حقیقت را خداوند تذکر می‌دهد.

ه) چهارمین حکم این است. هنگامی که به خانه پیامبر جهت گرفتن چیزی مراجعه می‌کنید با همسران پیامبر از پس پرده سخن بگویید و حاجت خود را مطرح کنید. مقصود از حجاب در اینجا به معنای پوشش نیست بلکه اضافه بر آن حکم مطرح می‌کند یعنی همسران پیامبر در معرض دید عموم نباشند و این حکم مخصوص زنان پیامبر بوده است.

و) شما نباید رسول خدا را اذیت کنید (و ما کان لکم ان تؤذوا رسول الله).

ز) حکم ششم، حرمت ازدواج با همسران پیامبر (ص) پس از آن حضرت (و لا تنکحوا ازواجه من بعده ابدأ) ...

۲) رعایت ادب در سخن گفتن با پیامبر (ص)

«یا ایها الذین امنوا لا تقولوا رعنا و قولوا انظرنا و اسمعوا و للکافرین عذاب الیم».

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید (هنگام سخن گفتن با پیامبر خطاب به او) نگویید «راعنا» مراعاتمان کن. بلکه بگویید: «انظرنا» ما را در نظر بگیر و (این توصیه را) بشنوید و برای کافران عذاب دردناکی است. تدبیر و تفکر:

برخی از مسلمانان هنگام سخن گفتن با پیامبر (ص) برای این که سخنان پیامبر را خوب درک کنند، درخواست می‌کردند که آن حضرت با تأنی و رعایت حال آنان سخن بگوید و این درخواست را با لفظ «راعنا» مطرح

۱. تفسیر نمونه ج ۲ ص ۴۱۳ - تفسیر نور ج ۹ ص ۲۸۹

۲. بقره / ۱۰۴

می‌کردند یعنی مراعاتمان کن. ولی چون این تعبیر در عرف محاوره‌ای یهود نوعی دشنام تلقی می‌شد. (به معنای کودنی و حماقت) آیه شریفه نازل شد که به جای «راعنا» بگویند «انظرنا» تا دشمن سوء استفاده نکند. پیام آیه شریفه آن است که باید به انعکاس حرف توجه داشت تا از آن سوء استفاده نشود بنابراین انتخاب واژه‌های مناسب در سخن گفتن به ویژه با اولیاء الهی لازم است^۱.

۳) رعایت کمیت و بلندی صدا

یا ایها الذین امنوا لاترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی و لا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض ان تحبط و اعمالکم و انتم لا تشعرون^۲.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر نسازید و با او به درشتی سخن مگویند، آنگونه که با یکدیگر سخن می‌گویند، که اعمالتان باطل می‌شود در حالی که آگاه نیستید.

تدبر و تفکر [آداب گفتگو با رسول خدا (ص)]

بلند کردن صدا بیشتر از صدای پیامبر (ص)، یا یک نوع سبک شمردن آن حضرت است که موجب کفر خواهد شد، یا یک نوع بی ادبی است که بر خلاف احترام به پیامبر (ص) است. همچنین آیه شریفه دستور می‌دهد که مومنان به هنگام سخن گفتن با پیامبر (ص) صدای خود را کوتاه‌تر از او قرار دهند به جهت تعظیم جایگاه و شأن آن حضرت. و نیز می‌فرماید، همانطور که همدیگر را صدا می‌زنید او را خطاب نکنید مثلاً نگوید ای محمد بلکه او را با تجلیل و احترام صدا بزنید بگویند یا رسول الله. زیرا عدم رعایت آداب گفتگو با آن حضرت اعمالتان را از بین می‌برد در حالی که شما نمی‌دانید عدم رعایت آداب سخن چینی خسارتی برای شما دارد^۳. پس بطور کلی، با صدای بلند صحبت کردن فاقد معنای تعظیم است و با بزرگان به صدای بلند صحبت کردن خالی از اسائه ادب و وقاحت نیست^۴.

۱. تلخیص تفسیر نور ج ۱ ص ۱۷۴

۲. حجرات ۲/

۳. مجمع البیان ج ۲۳ ص ۱۸۴

۴. ترجمه المیزان ج ۱۸ ص ۴۵۸

در ادامه در آیه بعد می‌فرماید: «ان الذين يغضون اصواتهم عند رسول الله اولئك الذين امتحن الله قلوبهم للتقوى لهم مغفرة و اجر عظيم^۱».

ترجمه: بدرستی آنان که صوت خود را در برابر رسول خدا کوتاه می‌کنند، کسانی هستند که خدا دل‌هایشان را برای تقوا آزموده، برای ایشان است مغفرت و اجر الهی.

غض صوت، مقابل رفع صوت است. و امتحن الله به معنای مشقت دادن به قلب و اینگونه معنا کنیم که خداوند این مشقت‌ها را بر دل‌ها تحمیل می‌کند تا قلب‌ها به تقوی عادت نماید. سیاق آیه بیانگر وعده جمیلی است در برابر رعایت آداب سخن گفتن نزد رسول خدا (ص). بنابراین امتحن الله یعنی خدا دل‌های مؤمنین را با این دستور العمل برای تقوی تمرین داده است و این جمله خود تشویقی است که مؤمنین رعایت آداب نمایند و تعبیر به رسول الله در این آیه اشاره به ملاک حکم است و بیانگر آن است که شخص رسول از آن جهت که رسول است هر نوع رفتاری با وی بشود با مرسل و فرستاده خدا شده. بنابراین اگر او را احترام کنند خدا را احترام کرده‌اند و آهسته سخن گفتن نزد رسول خدا احترام و تعظیم خدای سبحان است و کسانی که چنین ادبی دارند تقوی، خُلق آنان شده و خدا دل‌هایشان را برای تقوی تمرین داده. لهم مغفرة و اجر عظیم. و این وعده جمیل خداوند برای آنان است که دل‌هایشان تقوی دارد^۲.

در آیه بعد، نقطه مقابل گروه متقین می‌فرماید: ان الذين ینادونک من وراء الحجرات اکثرهم لا یعقلون^۳. به درستی آنان که تو را از پشت دیوار حجره‌ها صدا می‌زنند بیشترشان تعقل ندارند. از سیاق آیه، بدست می‌آید که اشخاص جفا کار و بی‌ادبی بودند که آن جناب را از پشت دیوار خانه‌اش صدا می‌زدند و در حقش رعایت ادب نمی‌کردند. خداوند آنان را در این آیه مذمت کرده، نادان و بی‌خرد توصیف‌شان می‌کند^۴.

۱. حجرات / ۴

۲. ترجمه المیزان ج ۱۸ ص ۴۶۳

۳. حجرات / ۴

۴. ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۸ ص ۴۷۴

سپس می‌فرماید: «و لوانهم صبروا حتی تخرج الیهم لکان خیراً لهم والله غفور رحیم»^۱. اگر مراجعه کنندگان (محضر رسول خدا) صبر کنند تا تو از خانه به سوی‌شان در آیی برایشان بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است. اگر این جفاکاران صبر کنند (و تو را صدا نزنند) تا خودت به دیدن‌شان از خانه در آیی برای آنان بهتر است. زیرا هم ادب را رعایت کرده‌اند و هم تعظیم و احترام مقام رسالت نموده‌اند و هم مغفرت خدا و رحمت او شامل‌شان می‌شود^۲.

۴) کمتر مزاحم اوقات پیامبر شوید

«یا ایها الذین امنوا اذا ناجیتم الرسول فقدّموا بین یدی نجوی کم صدقه ذلک خیر لکم و اطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم»^۳.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی با رسول خدا نجوی می‌کنید قبلاً صدقه بدهید، این برای شما بهتر و به پاکی نزدیکتر است، حال اگر نداشتید خدا آمرزنده و رحیم است.

تدبیر و تفکر [ادب معاشرت و سخن گفتن با رسول خدا (ص)]

در شأن نزول آیه شریفه آمده است. گروهی از مردم مخصوصاً اغنیا مرتب مزاحم اوقات پیامبر (ص) می‌شدند و با او نجوی می‌کردند یعنی مسائل شخصی و سری خود را مطرح می‌کردند و این کار مایه اندوه دیگران (که با پیامبر کاری داشتند) می‌شد و یا این عمل به نوعی کسب امتیاز بی‌دلیل برای افراد مذکور می‌شد که خود را خیلی نزدیک به پیامبر وانمود نمودند. (به نوعی رانت اجتماعی و سوء استفاده از رسول خدا برای کسب و جاهت اجتماعی می‌شد) و اوقات گرانبهای پیامبر را تضییع می‌کرد. لذا آیه شریفه نازل شد و حکم به پرداخت صدقه نمود. تا هم بیهوده کسی وقت پیامبر (ص) را نگیرد و نیز از این بابت خیری هم به نیازمندان برسد^۴.
به قول امروزی‌ها خداوند برای مراجعه شخصی و مشاوره خصوصی با پیامبر (ص) حق ویزیت و مشاوره قرار داد البته به نفع نیازمندان. زیرا پیامبر (ص) سرمایه بزرگ الهی برای همه مردم بود، حال اگر عده‌ای بخواهند

۱. حجرات / ۵

۲. همان

۳.

۴. تفسیر نمونه ج ۲۳ ص ۴۴۸